



هدف اعجاز علمی قرآن نشان دادن راه است، نه ارائه نظریه علمی

باید کلمه هدایت را به درستی بفهمیم؛ هدایت یعنی راه نشان دادن، نه فرد را بر دوش گرفتن و در مقصد فرود آوردن؛ رویکرد قرآن در همه حوزه‌ها و از جمله در دانش همین‌گونه است و وجه اعجاز قرآن نه ارائه نظریه علمی، بلکه در نشان دادن راه است.

باید کلمه هدایت را به درستی بفهمیم؛ هدایت یعنی راه نشان دادن، نه فرد را بر دوش گرفتن و در مقصد فرود آوردن؛ رویکرد قرآن در همه حوزه‌ها و از جمله در دانش همین‌گونه است و وجه اعجاز قرآن نه ارائه نظریه علمی، بلکه در نشان دادن راه است.

سیدیحیی یثربی، مفسر قرآن و استاد فلسفه و عرفان در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) در ابتدا به منظور تبیین موضع خود درباره اعجاز علمی قرآن، به طرح مباحثی در باب اعجاز قرآن به طور کلی پرداخت و در ادامه نکاتی را در مورد اعجاز علمی قرآن مطرح کرد.

اعجاز؛ شاهی بر صداقت نبی

یثربی با اشاره به وجه اعجاز به عنوان شاهی بر صداقت نبی در ادعای نبوت به عنوان مقدمه نخست بحث از اعجاز، گفت: در جایی که انسانی مانند ما ادعا کند که من با عالم غیب و خداوند ارتباط دارم و چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید، وظیفه ما این نیست که این ادعا را بپذیریم، بلکه وظیفه داریم که این ادعا را انکار کنیم. بنابراین وظیفه فرد در مقابل ادعای نبوت این نیست که فوراً بگوید «آری، راست می‌گویی» بلکه باید بگوید که «در حقیقت من هم نمی‌دانم و من هم مانند تو هستم؛ از کجا معلوم که تو به جایی متصل هستی و از کجا معلوم که انسان می‌تواند به جایی وصل باشد». اما از طرف دیگر وظیفه پیغمبر این است که به نوعی راستگویی خود را اثبات کند و وسیله اثبات این راستگویی و اتصال به عالم غیب می‌تواند گوناگون باشد که از جمله یکی همین معجزه است.

وی افزود: او باید معجزه‌ای بیاورد تا مردم بفهمند که اگر این آدم به جایی وصل نبود این کار را نمی‌توانست انجام بدهد؛ پس به جایی وصل است که می‌تواند برای مثال کوه را تکان بدهد و ...

معجزه‌های حسی مقطعی و معجزه‌های عقلی دائمی؛ اقسام معجزه

این استاد فلسفه و عرفان با بیان این‌که معجزه خود به دو قسم عمده معجزه‌های حسی مقطعی و معجزه‌های عقلی دائمی تقسیم می‌شود، اظهار کرد: معجزه‌های حسی مانند تکان دادن کوه یا اژدها کردن عصا یا شفا دادن نابینا مقطعی هستند؛ یعنی در یک لحظه از تاریخ انجام می‌پذیرند و فقط یک عده می‌توانند آن را ببینند. برای مثال اگر عصای موسی اژدها شد، فقط تعدادی که در آن جلسه بودند توانستند آن را ببینند و همه مردم ندیدند. اگر برای مثال بیماری به دست حضرت عیسی (ع) شفا یافت این را تعداد معدودی در آن منطقه دیدند و تمام عالم که این را ندیدند. این‌ها معجزه‌های حسی محدود و منطقه‌ای و مربوط به مقطع معین زمانی هستند؛ یعنی هم حسی‌اند، هم در یک لحظه تاریخی و هم در یک نقطه جغرافیایی خاص انجام می‌پذیرند و در مقاطع دیگر تکرار نمی‌شوند و در نقاط دیگر هم دیده نمی‌شوند.

یثربی در تشریح معجزه‌های عقلی بیان کرد: معجزه‌های عقلی، به عکس معجزه‌های حسی، همیشه و برای همه انسان‌ها قابل بررسی هستند. این استدلال قرآن کریم که «اگر این آیه‌ها از طرف خدا نازل نمی‌شد، در آن اختلاف زیادی می‌دیدید» یک معجزه عقلی است که برای همیشه قابل بررسی است و محدود به زمان معین، نقطه معین و افراد معین نیست. این دیگر محدود به 20 نفر در عربستان یا 100 نفر در آمریکا نیست. همچنین عقلانی بودن اصول دین و این‌که شما باید آن را با عقل بپذیرید، نشان از معجزگون بودن آن دارد.

ارتقا و بدل کردن ایمان به باور موجه؛ معجزه تاریخی و ماندگار قرآن و پیامبر اسلام(ص)

نویسنده «تفسیر روز» افزود: این‌که دینی اصول خود را عقلانی کند و در برابر تمام ادیانی که در آن زمان تحریف‌شده یا باطل بودند، ایمان را به باور موجه بدل سازد، چیزی نیست که برای یک لحظه در تاریخ مطرح باشد، بلکه چیزی است که در همیشه تاریخ باقی می‌ماند. این در حالی است که کانت در قرن 18 می‌گفت من می‌خواهم عقل را کنار بزنم تا جایی برای ایمان باز کنم، اما پیامبر اسلام(ص) و دین او می‌گوید که ایمان را هم باید با همین عقل و علم بفهمی.

یثربی به عنوان مقدمه بعدی بحث خود، معجزه‌های مقطعی را مربوط به انبیایی دانست که دارای نبوت‌های مقطعی بوده‌اند و اظهار کرد: نبوت‌هایی که برای يك مرحله خاص بودند، دارای معجزه‌های مقطعی بودند. برای مثال پیامبرانی که برای يك نسل و دو نسل می‌آمدند، معجزات حسی داشتند؛ مانند حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع). اما پیامبری که برای همه انسان‌ها و زمان‌ها می‌آید، نباید محدود به معجزه حسی باشد و باید معجزه عقلی جاودانه داشته باشد؛ چون همه انسان‌ها در همه زمان‌ها مانند همان انسان‌های صدر اسلام در جزیره العرب، باید نبوت او را با دلیل قبول کنند و حق دارند که این کار را بکنند.

تنها معجزه‌ای جاویدان می‌تواند شاهی بر دین جاوید باشد

وی افزود: اگر آن‌ها بخواهند ایمان بیاورند، باید دلیلی بر راستگویی پیامبر پیدا کنند و این چیزی است که در همه زمان‌ها مطرح است. اگر این نبوت برای 50 یا 100 سال بود، همان معجزه محدود حسی کافی بود، اما این معجزه‌ها در تاریخ ممکن است انکار شوند؛ چنان که الان در تاریخ وجود تاریخی بعضی چیزها و بعضی انسان‌ها را که در صفحات تاریخ ذکر شده است، انکار می‌کنند. در این صورت پذیرش معجزه جای خود را دارد و در صورتی می‌تواند به عنوان شاهی بر نبوت و شاهی برای دین جاویدان مورد پذیرش قرار گیرد که معجزه‌ای جاویدان باشد.

تناسب معجزه با زمانه و حساسیت مردم

این مفسر قرآن به عنوان مقدمه بعدی بحث خود بر این مطلب تأکید کرد که معجزه باید حساسیت زمان را در نظر بگیرد و در این رابطه بیان کرد: معجزه باید تناسب و نسبتی با حساسیت‌های مردم دوره خود داشته باشد. در زمان حضرت موسی(ع) و در بین مردم آن دوره، جادوگری خیلی رواج داشت و معجزه موسی(ع) هم چیزی بود شبیه به جادوگری که مردم آن را می‌شناختند و برخی در آن تخصص داشتند و اهل تخصص راحت‌تر آن را قبول می‌کردند؛ چنان که جادوگران فرعون چون می‌دانستند که کار موسی از جنس کار آن‌ها نیست، قبل از همه به حضرت موسی(ع) ایمان آوردند. در زمان حضرت عیسی(ع) نیز حساسیت به طب و بیماری بود و لذا معجزه ایشان چیزی بود که پزشکان حیران می‌ماندند که این کار طب معمولی ما نیست و معجزه است.

یثربی با بیان این‌که معجزه پیامبر دین جاوید نباید در عین حساسیت به زمان، حسی و مقطعی باشد، اظهار کرد: معجزه‌های کتاب آسمانی همیشگی او نیز این‌گونه است و در واقع معجزاتی است عقلانی. بخش‌هایی از آیات قرآن هست که از رسول خدا(ص) معجزه‌های حسی خواسته شده است و پیغمبر(ص) در پاسخ می‌گوید که این کار من نیست و من بشری مانند شما هستم که پیامی را که به من داده شده، به شما ابلاغ می‌کنم و این‌گونه نبوده است که پیوسته بیماران را شفا دهد یا عصا به اژدها تبدیل کند یا به سنگ و چوب دستور دهد، چرا که معجزه‌های او نباید از نوع معجزه‌های حسی باشد.

وی ادامه داد: آن چه باقی می‌ماند، این است که معجزه‌های او در عین عقلی بودن و پایدار بودن در تناسب با حساسیت مردم باشد. مردم هم همیشه يك‌گونه حساسیت ندارند، بلکه يك زمان به جادوگری حساس بودند، زمانی به طب و پزشکی، حتی در نخستین مرحله بعثت پیامبر اکرم(ص) مردم عربستان به فصاحت و بلاغت حساسیت داشتند و قرآن هم با توجه به همین حساسیت‌شان با آن‌ها وارد بحث شد و گفت آیه‌ای مانند آیه‌های من بیاورید؛ چون حساسیت آن‌ها به کلام بود؛ اما برای مثال آیا در قرن چهارم، مراکشی‌ها، ترکیه‌ای‌ها و هندی‌ها به کلمات قرآن حساس بودند؟ آن‌ها اصلاً عربی نمی‌دانستند تا مقایسه کنند و ببینند که مثل آن را می‌توانند بیاورند یا نمی‌توانند بیاورند.

حساسیت‌های کنونی جهانی/ قرآن عالیت‌ترین معجزه‌ها را برای روزگار ما دارد

این استاد فلسفه و عرفان، حساسیت‌های کنونی در سطح جهانی را نه به فصاحت و بلاغت، بلکه به آزادی انسان‌ها، حقوق بشر، مسئله کنترل قدرت و رفع ظلم و اجرای عدالت دانست و بیان کرد: بنابراین قرآن کریم باید معجزه‌اش مطابق حساسیت روز ما باشد و من معتقدم که عالی‌ترین معجزه‌ها را برای روزگار ما دارد، ولی افسوس که ما متوجه نیستیم.

وی با اشاره به جایگاهی که جهان امروز برای عقلانیت قائل است و نمونه‌های فراوانی که از این جهت در الفبای اسلام وجود، اما در غرب تمدن‌ساز شده است، عنوان کرد: مباحثی که قرآن در باب علم و عقل دارد و اصولی که این کتاب بر آن استوار است و از آن‌ها سخن گفته، همان معجزه‌هایی است که دنیای امروز از دست یافتن به آن‌ها به خود افتخار می‌کند.

اعجاز علمی قرآن/ رویکرد قرآن در دانش نیز هدایتی است و نه ارائه نظریه علمی

یثربی در بخش پایانی بحث خود با بیان این که کار قرآن هدایت است، خاطرنشان کرد: ما باید کلمه هدایت را به درستی بفهمیم. هدایت یعنی راه نشان دادن، نه فرد را بر دوش گرفتن و در مقصد فرود آوردن. قرآن به ما راه نشان می‌دهد و این یعنی اگر برای مثال می‌خواهی به دماوند بروی، از این مسیر برو، اما مرا بر دوش نمی‌گذارد و ببرد در دماوند بگذارد و بگوید دماوندی که می‌گفتی اینجا است. در نجات اخروی نیز همین است و به ما راه نشان داده می‌شود و خود ما هستیم که باید کار کنیم.

وی با بیان این که رویکرد قرآن در همه حوزه‌ها و از جمله در دانش همین‌گونه است، عنوان کرد: بعضی از آقایان گذشته و فضلالی معاصر سعی می‌کنند بگویند که قرآن قوانین فیزیک، شیمی و ... را در اختیار ما گذاشته است و سعی می‌کنند که این‌گونه موارد را معجزه علمی نشان دهند. این به نظر من درست نیست؛ چرا که اولاً این امور در قالب دو فرمول یا هزار فرمول قابل گرد آوردن نیست و حد و حدود ندارد تا قرآن بیاید و آن‌ها را بیان کند و علاوه بر این، این جنبه‌ها اموری بشری هستند.

این مفسر قرآن افزود: کار قرآن این نیست که بگوید تو بنشین تا خدا به جای تو کار کند، بلکه کار قرآن این است که تو کار کن و خدا تو را راهنمایی می‌کند. بنابراین وجه اعجاز قرآن در نشان دادن راه است و نه ارائه نظریه علمی.

یثربی البته این قبیل تلاش‌ها را بی‌حاصل ندانست و در پایان با تأکید بر این که ترجیح خود او تکیه بر معجزه‌های هدایتی قرآن و نه وجوه ایصال به مطلوبی آن است، بیان کرد: من هیچ وقت نمی‌خواهم حقانیت مولا علی(ع) یا پیامبر گرامی اسلام(ص) را با جمله‌ای ثابت کنم که آن جمله نشان می‌دهد که می‌توان هواپیما سوار شد. این‌گونه جمله‌ها نه از يك سو هواپیما ایجاد می‌کند - چون هواپیما ایجاد کردن نیاز به کارهایی بشری دارد - و نه از سوی دیگر چندان برای اثبات آن حقانیت مفید خواهد بود.